

Islamic Knowledge and Insight

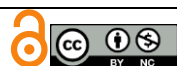
An Examination of the Efforts of Religious Modernism Regarding the Possibility of Religious Life in the Modern World with Emphasis on the Views of Abdolkarim Soroush and Mostafa Malekian

1. Pejman Yari: PhD Student of Philosophy of Religion, Payam Noor University, Tehran, Iran
2. Ali Parimi*: Assistant Professor, Faculty of Theology, Payam Noor University, Tehran, Iran. (Email: a.parimi@pnu.ac.ir)
3. Jalal Peykani: Associate Professor, Department of Philosophy, Payam Noor University, Tehran, Iran
4. Mahdi Khademi: Assistant Professor, Theology Department, Payam Noor, Tehran, Iran

Abstract

The current disenchanted and modern world possesses elements that appear to be in conflict with the components of traditional religious life. Religious modernism, as one of the prominent approaches, acknowledges these conflicts and seeks to provide, through a rational interpretation of religion, the possibility of a desirable religious life within the modern world. Among the most influential figures of religious modernism in Iran's intellectual, religious, and philosophical community are Abdolkarim Soroush and Mostafa Malekian. This article, employing a descriptive-analytical method and a case study of the works of these two religious modernists, aims to critically examine the strengths and weaknesses of the religious modernist approach to religious life in the modern world. The findings of the study indicate that while religious modernism does not hinder the presence of the sacred in an individual's life, this approach faces relative failure in practically establishing a religious way of life.

Keywords: *Religious Modernism, Traditional Religious Life, Modern World, Malekian, Soroush*



How to cite: Yari, P., Parimi, A., Peykani, J., & Khademi, M. (2025). An Examination of the Efforts of Religious Modernism Regarding the Possibility of Religious Life in the Modern World with Emphasis on the Views of Abdolkarim Soroush and Mostafa Malekian. *Islamic Knowledge and Insight*, 3(2), 1-13.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 27 February 2025

Revise Date: 21 April 2025

Accept Date: 30 April 2025

Publish Date: 16 July 2025

معرفت و بصیرت اسلامی

بررسی تلاش نواندیشی دینی درباره امکان زیست دینی در جهان مدرن با تکیه بر آرای عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان

۱. پژمان یاری: دانشجوی دکتری فلسفه دین، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۲. علی پریمی^{*}: استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (پست الکترونیک: a.parimi@pnu.ac.ir)
۳. جلال پیکانی: دانشیار، گروه فلسفه، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۴. مهدی خادمی: استادیار، گروه الهیات، پیام نور، تهران، ایران

چکیده

جهان راز زدا شده و مدرن کنونی دارای مولفه‌هایی است که به نظر می‌رسد میان آن مولفه‌ها و مولفه‌های زیست دینی سنتی ناسازگاری‌هایی به وجود آمده است که رویکرد نواندیشی دینی به عنوان یکی از رویکردهای مطرح با تأیید این ناسازگاری‌ها در صدد است تا با خوانشی عقلانی از دین امکانی برای زیست دینی مطلوب در جهان مدرن فراهم کند؛ از جمله اثرگذارترین این نواندیشان دینی در جامعه فکری - دینی و فلسفی ایران عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان می‌باشند که این مقال قصد دارد با روش توصیف - تحلیل و بررسی موردی آثار این دو نواندیش دینی، به نقد و بررسی نقاط ضعف و قوت رویکرد نواندیشی دینی به زیست دینی در جهان مدرن بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، طرح نواندیشی دینی در زیست دینی مانعی برای حضور امر قدسی در زندگی فرد نیست، اما این رویکرد با عدم توفیق نسبی در ایجاد عملی زیست دینی مواجه هست.

کلیدواژگان: *نواندیشی دینی، زیست دینی سنتی، جهان مدرن، ملکیان، سروش*

شیوه استناددهی: یاری، پژمان، پریمی، علی، پیکانی، جلال، و خادمی، مهدی. (۱۴۰۴). بررسی تلاش نواندیشی دینی درباره امکان زیست دینی در جهان مدرن با تکیه بر آرای عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان. معرفت و بصیرت اسلامی، ۳(۲)، ۱-۱۳.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۹ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۵ تیر ۱۴۰۴

مقدمه

زیست دینی به عنوان شکلی از زندگی که از اصول و آموزه‌های دینی نشأت می‌گیرد در جهان مدرن کنونی با وجود مولفه‌هایی چون تاکید حداکثری بر عقلانیت، علم تجربی، انسان محوری و... با مشکل مواجه شده است. یکی از رویکردهایی که با رد زیست دینی سنتی و طرح زیست دینی عقلانی به دنبال طرح زیست دینی مطلوب انسان مدرن می‌باشد رویکرد نواندیشی دینی است. عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان می‌توان از جمله صاحب نظران این رویکرد موسع معرفی کرد که با قبول مؤلفه‌هایی چون سکولاریسم، عقلانیت تجربی و انسان‌محوری و...، برای جهان مدرن زیست دینی سنتی را برای انسان مدرن (انسانی که واجد مولفه‌های جهان مدرن است) امکان پذیر نمی‌دانند (Malekian, 2015; Soroush, 2011) و بدنبال طرح زیست دینی مطلوب انسان مدرن می‌باشند.

گرچه عده‌ای مخالف نواندیش دینی خواندن ملکیان هستند و در این باره اختلاف نظرهایی جود دارد اما به زعم نگارنده عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان را با وجود تفاوت‌هایی که دارند می‌توان دو سر طیف نواندیشی دینی دانست (Naraqi, 2016) چرا که گرچه ملکیان متاخر زیست دینی سنتی را رد می‌کند و بر زیست معنوی یا معنویت فردی تاکید دارد اما این به منزله رد کردن هرگونه زیست دینی نیست بلکه ایشان زیست دینی عقلانی را به عنوان زیست دینی مطلوب انسان دیندار قبول دارد چرا که معتقد است زیست دینی عقلانی شاخه‌ای از زیست معنوی است و تنها نوع زیست دینی است که در کنار حفظ مولفه‌های جهان مدرن می‌تواند مولفه‌های زیست معنوی را نیز میسر سازد (Malekian, 2023; Pour Motahari, 2022).

این مقاله با رویکردی تحلیلی و انتقادی، درصدد است تا با تاکید بر ارای نواندیشان دینی چون سروش و ملکیان به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا نواندیشی دینی توانسته است در کنار رد زیست دینی سنتی، طرحی برای زیست دینی انسان دیندار در جهان مدرن فراهم

کند؟ و در نیل به این هدف تا چه اندازه موفق بوده است؟ بدین منظور، ابتدا جهت ایضاح مسئله مقاله حاضر به معرفی زیست دینی و چالش‌های آن در جهان مدرن خواهیم پرداخت و سپس با تبیین خاستگاه و کارکرد نواندیشی دینی به چرایی رد زیست دینی سنتی و چگونگی طرح زیست مطلوب از سوی نواندیشی دینی خواهیم پرداخت و در آخر، سعی خواهد شد با نقد و بررسی نقاط قوت و ضعف این رویکرد را با اتخاذ موضعی منصفانه به سوالات این تحقیق پاسخ داده شود.

برای بررسی پیشینه این پژوهش در متون فارسی گرچه راجع به نواندیشی دینی و همچنین جهان مدرن پژوهش‌های انجام شده است اما این مقاله چه از جهت عنوان و ساختار، چه از جهت مسئله پژوهش و پاسخ‌ها و تحلیل‌های ارائه شده به آن دارای نوآوری‌هایی است که آن را از سایر پژوهش‌های انجام شده در ایران و جهان تا حدود زیادی مجزا می‌کند. اما در بحث پیشینه پژوهش می‌توان آثار ذیل را به عنوان مدخلی برای ورود بهتر به موضوع این مقاله معرفی کرد. یکی از آثاری که در زمینه امکان زیست دینی در جهان معاصر تا حدودی نزدیکی موضوعی با عنوان این مقال دارد کتاب «پرسش از امکان امر دینی» اثر بیژن عبدالکریمی (۱۴۰۰) می‌باشد، ایشان بخصوص در فصل سوم این کتاب به طرح پرسش از سرشت و امکان امر دینی و معنوی در جهان معاصر و تأمل درباره این پرسش می‌پردازد که در بخش تحلیل و بررسی سعی شده است که به پرسش طرح شده در این کتاب در زمینه حضور امر قدسی در زیست دینی معرفت اندیشانه پاسخ داده شود (Abdolkarimi, 2021).

در بحث پیشینه پژوهش در حوزه متون فلسفی لاتین باید گفت گرچه اثر حاضر به فضای نواندیشی دینی و زیست دینی در کشور ایران می‌پردازد اما از حیث نزدیکی عنوان و معرفی که از مولفه‌های زیست دینی می‌شود می‌توان مقاله Schneiders, Sandra - "Religious Life" (2000) Marie را معرفی کرد که البته باید گفت نویسنده در این مقاله سعی کرده است به معرفی زیست دینی یا زیست مذهبی با تاکید بر دین مسیحیت بپردازد و در این اثر خود

مولفه‌هایی را که برای زیست دینی معرفی می‌کند تا حدود زیادی با مولفه‌های زیست دینی سنتی در ایران منطبق است (Schneiders, 2000).

با معرفی اجمالی برخی از منابع به عنوان پیشینه نزدیک به عنوان این مقال نگارنده سعی کرده است در صورت نیاز در کنار استفاده از این منابع از سایر منابع فارسی و لاتین که می‌تواند در راستای پاسخ به اهداف و پرسش‌های این تحقیق مارا یاری کند استفاده کند.

زیست دینی سنتی و جهان مدرن

تعبیر «زیست دینی»، که به نحوی در کانون این پژوهش قرار دارد، از ابهام بسیار برخوردار است و بایستی در همین آغاز در ایضاح آن بکوشیم، به خصوص که ابهام نهفته در آن باعث می‌شود تفاسیر و برداشت‌هایی متعدد از آن صورت بگیرد. این ابهام زمانی بیشتر می‌شود که به این نکته توجه کنیم که به دلیل الصاق صفت «دینی» به «زیست» ابهامی که در تعبیر «دینی» وجود دارد به کل ترکیب نیز تسری پیدا می‌کند. به تعبیری ساده‌تر، بسته به اینکه ما چه برداشتی از «دین» و «دینی» داریم، معنای ترکیب «زیست دینی» نیز با تغییر مواجه می‌شود. لذا با پذیرش نقش بسترها و زمینه‌ها در خوانش فرد از دین (Jamshidiha, 2008) وقتی از زیست دینی (Religious life) سخن به میان آمده است ما با تعاریف و مختصات متکثر و متنوعی برای این تعبیر مواجه هستیم (Dabbagh, 2020) اما باید گفت بطور کلی در این مقال و در اکثر متون دینی و فلسفی جهان وقتی از چالش‌های زیست دینی در جهان مدرن صحبت می‌شود تعبیری از زیست دینی مد نظر است که؛ نتیجه خوانش سنتی از دین است و در آن فرد تنظیم ارزش‌ها، اعمال، رفتار خود را از یک نهاد یا مرجع دینی می‌گیرد (Frisk, 2013; Hang'andu, 2005; Javadi Amoli, 2021; Lingier & Vandewiele, 2021; Nekounam, 2020; Schneiders, 2000). زیست دینی واجد مولفه‌های چون آخرت گرایی، تعبد گرایی، قداست گرایی، شریعت گرایی، مرجعیت گرایی و... است (Malekian, 2015) که علاوه بر ساحت عرفانی-معنوی به

ساحت فقه‌ای (که توسط یک نهاد یا فرد مرجع تعیین و تنظیم می‌شود) نیز توجه ویژه دارد و وجود شریعت در کنار عرفان را شرط لازم برای زیست دینی معرفی می‌کند (Kadivar, 2010). باری از آن جا که جهان کنونی جهانی موسوم به جهان مدرن است و در دهه‌های اخیر فضای فکری و فلسفی ایران، وقتی از مدرنیته و جهان مدرن صحبت به میان آمده است برای آن مولفه‌ها و مبانی برشمرده اند که به نظر می‌رسد این مولفه‌ها و مبانی‌ها وجود زیست دینی در جهان مدرن را تا حدودی اگر نگوییم غیر ممکن بلکه سخت و مشکل می‌کند. در این نگاه مدرنیته بر مبانی خاص علمی-فلسفی و معرفت شناختی مبتنی است -در معرفت‌شناسی، واقع‌گراست و بر عقلانیت و علم تأکید می‌کند، از نظر علمی، تجربه‌گراست و از نظر انسان‌شناسی، انسان‌محور است (Nekouei Samani, 2007)- که هر کدام از این مبانی مشکلات عدیده‌ای را پیش روی زیست دینی سنتی در جهان معاصر قرار می‌دهد. مولفه‌هایی چون انسان محوری، عقلانیت، خوانش تجربی و این جهانی از امور و... از جمله مولفه‌های اجتناب ناپذیر جهان بینی انسان مدرن و عصر تجدد قلمداد می‌شود (Malekian, 2002a, 2002b) که ایجاد یک سازگاری و تلائم میان آنان و مولفه‌های مهم زیست دینی سنتی از جمله؛ پذیرش مرجعیت دینی، شریعت گرایی، تعبد گرایی، و... تبدیل به یک مسئله جدی در جامعه ایران شده است. لذا باید یکی از مسائل و چالش‌های مهم پیش روی جامعه ایرانی در جهان معاصر را، طرح این پرسش دانست که آیا در جهان کنونی که موسوم به جهان مدرن است و بگونه‌ای آن را جهان راز زدایی شده معرفی می‌کنند (Abdolkarimi, 2019)، می‌توان از زیست دینی سنتی سخن گفت و آیا اساساً رویکردی دیندارانه یا فیلسوفانه وجود دارد که بتواند از طرح نوعی از زیست دینی در جهان مدرن دفاع کند؟ یکی از رویکردهایی که خاستگاه، کارکرد و توجیه حضور آن در فضای فکری و فلسفی ایران با ارائه زیست دینی مطلوب در جهان مدرن تعریف می‌شود رویکرد نو اندیشی دینی است که در ادامه به طور تفصیلی به معرفی -تحلیل و ارزیابی آن خواهیم پرداخت.

خاستگاه نواندیشی دینی؛ یافتن امکانی برای زیست دینی

جریان نواندیشی دینی یکی از رویکردهایی است که خاستگاه، کارکرد و توجیه حضور آن در عرصه فکری-فلسفی ایران را می‌توان یافتن امکانی برای مسئله زیست دینی در جهان معاصر معرفی کرد.

جریان نواندیشی دینی در ایران را نمی‌توان یک جریان کاملاً منسجم و یکپارچه تلقی کرد بلکه این جریان در بحث چگونگی و بالاخص میزان تفسیر و انطباق دین با مولفه‌های مدرن، و حتی در بحث تعاریف زیست دینی و مولفه‌های آن دارای اختلاف‌هایی هستند. به گونه‌ای که حتی عده‌ای ملکیان متاخر را از دایره نواندیشی دینی خارج می‌دانند یا حتی پاره‌ای از نواندیشان دینی مانند کدیور تفاوت آرای آشکاری با نظرات سایر نواندیشان دینی مانند سروش و ملکیان دارد (Kadivar, 2010) اما مسئله چالشی خواندن زیست دینی سنتی در جهان مدرن و سعی در حل آن را می‌توان از جمله دغدغه‌هایی معرفی کرد که مخرج مشترک این جریان فکری قلمداد می‌شود لذا خاستگاه نواندیشی در ایران را می‌توان در پاسخ به چالش‌های نوین دینی، اجتماعی، و فرهنگی و فکری یافت. باید گفت ایران با تحولات عمده‌ای در دوران مشروطه و پس از آن روبه‌رو بوده است که این تحولات در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی به تلاقی بین سنت‌های دینی و مدرنیته منجر شد (Nejatpour, 2017) ناچاراً دین باید خود را با شرایط جدید وفق می‌داد و به تدریج از حالت ایستا و ثابت به مفهومی پویا و متحول تبدیل می‌شد (Soroush, 1998) تا پاسخگوی نیازهای روزافزون جامعه باشد و بتواند امکانی را فرا روی زیست دینی در جهان مدرن فراهم کند. با انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ که بازتاب دهنده جستجوی مردم برای ایجاد یک دنیای جدید مبتنی بر اصول اسلامی در عصر مدرن بود (Bigdeli, 2006) جایگاه دین در زندگی افراد پررنگ‌تر شد و این منجر به اهمیت یافتن بیشتر جریان نواندیشی دینی در ایران شد و همین سبب شد جریان نواندیشی دینی بعد از انقلاب اسلامی در ایران تحولات چشمگیری داشته باشد که از جمله‌ای این تحولات

ظهور گرایش‌های فکری متعدد و متفاوتی در دل این جریان فکری مادر است (Naraqi, 2016) گرایش‌هایی‌های که ملکیان و سروش را می‌توان از جمله سردمداران هر کدام از آن گرایش‌ها معرفی کرد (Naraqi, 2016). گرچه هرکدام از این گرایش‌ها تفاوت‌هایی باهم دارند و مثلاً ملکیان پروژه فکری خود را «عقلانیت و معنویت» معرفی می‌کند اما ایشان، همچون عبدالکریم سروش، نقش مهمی در نقد زیست دینی سنتی در دنیای مدرن ایفا کرده و گرچه هدف خود را در پروژه عقلانیت و معنویت باز اندیشی دینی معرفی نمی‌کند (Malekian, 2010) اما با قبول دین سنجش گرانه به عنوان یکی از منابع مهم معنویت و رد زیست دینی سنتی به نوعی می‌توان او را در زمره متفکران موثرین جریان فکری قلمداد کرد (Malekian, 2015). سروش نیز به عنوان یکی از افراد اثر گذار در جریان نواندیشی دینی در ایران شناخته می‌شود که در آثار خود به نقد و بازنگری مفهوم حقیقت دینی پرداخته است و معتقد است که مفاهیم دینی باید توانایی انطباق با تحولات فلسفی و اجتماعی را داشته باشند. سروش در این راستا از مفهوم "پویایی دین" استفاده کرده است که به گمان او، دین باید بر اساس شرایط اجتماعی و زمانی بازنگری و تطبیق یابد (Malekian, 2002a)؛ در این زمینه ملکیان نیز به نوبه خود با تأکید بر عقلانیت به عنوان مولفه انسان مدرن بر لزوم بازنگری عقلانی در خوانش سنتی از دین تأکید دارد (Malekian, 2002b). باید گفت نواندیشی دینی صرفاً فعالیت خود را محدود به حوزه نظری و فکری نمی‌داند و از جمله ماموریت‌ها، وظایف و کارکرد خود را کمک به حل بحران‌های اجتماعی معرفی می‌کند؛ بحران‌هایی که ریشه در چالش‌های مدرنیته، فردگرایی و معنویت‌زدایی دارند (Malekian, 2002a).

نواندیشی دینی و عدم امکان زیست دینی سنتی

نواندیشی دینی یکی از رویکردهای است که وجود ناسازگاری میان مولفه‌های زیست دینی سنتی و مولفه‌های جهان مدرن را پذیرفته است و زیست دینی سنتی برای انسان مدرن را امکان پذیر نمی‌داند. ملکیان به عنوان یکی از این نواندیشان اثر گذار در جامعه فکری و فلسفی

ایران است که امکانی را برای زیست دینی مبتنی بر خوانش سنتی از دین فراهم نمی‌داند. چرا که در نگاه ایشان انسان مدرن دارای ویژگی‌ها و خصیصه‌های است که هیچ گونه قابلیت اجماع و انطباقی میان آن ویژگی‌ها و زیست دینی سنتی وجود ندارد. ایشان با معرفی مولفه اصلی انسان عصر مدرن و برابر نهادن این مولفه‌ها با مولفه‌های زیست دینی سنتی، هیچ گونه سازگاری را میان مولفه‌های انسان مدرن و مولفه‌های زیست دینی سنتی قائل نیست (Sohrabi Far, 2022). ایشان به نوعی قائل به تعارض میان مولفه‌ها و شاخصه‌های انسان مدرن با زیست دینی سنتی می‌باشد به گونه‌ای که در نگاه ایشان؛ ۱- دین سنتی وجه تعبدی دارند ولی انسان مدرن تعبد گریز است. ۲- در دین سنتی قداست گرایي زیاد وجود دارد ولی انسان مدرن قداست گریزو پرسشگر است. ۳- دین سنتی امری تاریخی می‌باشد ولی انسان مدرن انسانی است که به تاریخ بصورت ظنی و همراه با شبهه نگاه می‌کند. ۴- دین سنتی دارای متافیزیک گسترده است در حالی که شاهد تزلزل و فروپاشی متافیزیک نزد انسان مدرن هستیم ۵- آخرت گرایی در دین سنتی پررنگ است در صورتی که انسان مدرن حال نگر است و اینجایی و اکنونی (Malekian, 2015). همانطور که گفته شد مولفه‌ها و شاخصه‌های که ملکیان از دین ارائه می‌دهد و آن را در تضاد با مولفه‌های جهان مدرن بررسی می‌کند مربوط به خوانش سنتی از دین است. در نگاه ملکیان برای انسان مدرن امکانی وجود ندارد که بتواند زیست دینی مبتنی بر خوانش سنتی از دین اتخاذ کند و لذا ایشان معتقد است در جهان کنونی که موسوم به جهان مدرن است تنها نوع از زیست دینی که می‌تواند برای بشر امروز نسخه‌ای مناسب باشد نوعی زیست دینی است که با عقلانیت مدرن مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد چرا که تنها این نوع از زیست دینی است که در آن می‌توان معنویت را یافت و آن را نوعی زیست معنوی دانست (همان) ایشان همچنین از جمله مهم ترین ویژگی اجتناب ناپذیر انسان مدرن را عقلانیت معرفی می‌کند و همچنین مهم ترین ویژگی و مولفه اجتناب ناپذیر دین سنتی را تعبد؛ لذا نتیجه می‌گیرد که میان عقلانیت و دین سنتی -نهادی

و تاریخی هیچ گونه سازگاری و تلائم وجود ندارد و چرا که زیست دینی سنتی که واجد مولفه تعبد گرایی (به معنای پذیرش بی چون و چرا و دلیل است) با عقلانیت که مهم ترین شاخصه آن استدلالی بودن و پذیرش سنجش گرایانه امور است، قابل جمع نیست (Malekian, 2010).

از دیگر نو اندیشان معاصر که دین ورزی و زیست دیندارانه در جهان مدرن را برای انسان بک مساله مهم تلقی می‌کند عبدالکریم سروش است. ایشان معتقد است که با توجه به آنکه اصول و مبانی معرفتی انسان مدرن نسبت به انسان سنتی کاملاً متفاوت است لذا زیست دینی سنتی برای انسان مدرن (انسانی که در اتمسفر فکری، فرهنگی، اجتماعی و ... جهان مدرن تنفس می‌کند) را مشکل می‌داند و زیست دینی انسان معاصر را کاملاً متفاوت از زیست دینی انسان سنتی ترسیم می‌کند؛ چرا که فضای فکری، فرهنگی و منظومه معرفتی انسان مدرن را با انسان سنتی متفاوت ترسیم می‌کند (Soroush, 2000). سروش معتقد است که زیست دینی باید با شرایط اجتماعی و تاریخی قابلیت انطباق داشته باشد تا بتواند زیستی معنادار برای انسان معاصر فراهم کند لذا پویایی را از جمله مولفه‌های اصلی در طرح و ترسیم زیست دینی قلمداد می‌کند (Soroush, 1998). سروش همچنین بر لزوم انطباق دین و فهم از دین با مشخصه‌ها و ویژگی‌های انسان مدرن تاکید می‌کند و بیان می‌دارد که از آن جا که منظومه فکری و معرفتی انسان معاصر کاملاً متفاوت از انسان سنتی است؛ لذا معرفت دینی یا فکر دینی انسان معاصر نیز کاملاً با انسان سنتی متفاوت است پس بر لزوم ارائه مولفه‌های جدید و نو از زیست دینی تاکید دارد (همان). ایشان ویژگی‌هایی چون تعبدی بودن، وجه اسطوره‌ای داشتن، تقلیدی بودن، ارتباط اربابی و بندگی میان خداوند و انسان، داشتن رویکردی، انحصاری نسبت به مسئله نجات و برحق بودن، را از جمله ویژگی‌های دین ورزی و زیست دینی مبتنی بر خوانش سنتی و مصلحت اندیشانه از دین قلمداد می‌کند که با منظومه معرفتی انسان مدرن چندان سازگار نیست لذا نیاز به بازسازی فکر و معرفت دینی

و به فراخور آن تغییر نوع زیست دینی را برای انسان مدرن ضروری می‌داند (Sorouh, 1999).

نواندیشی دینی و معرفی زیست دینی مطلوب جهان مدرن

نواندیشی دینی با قبول مولفه‌های جهان مدرن و همچنین تاکید بر عدم امکان زیست دینی سنتی در جهان جدید به طرح و معرفی نوعی از زیست دینی مطلوب برای جهان مدرن اقدام کرده است که از جمله مهم ترین این نواندیشان دینی مصطفی ملکیان و عبدالکریم سروش می‌باشند.

ملکیان گرچه در آخرین پروژه فکری خود یعنی «عقلانیت و معنویت» تلاش خود را نه برای بازسازی دین، بلکه کاهش درد و رنج آدمی معرفی می‌کند و بنا به پروژه فکری خود زیست مطلوب انسان مدرن را زیست معنوی معرفی می‌کند اما از آنجا که در نگاه ایشان زیست دینی سنجش گرایانه و عقلانی زیر مجموعه زیست معنوی معرفی می‌شود به نحو غیر مستقیم و بعضاً مستقیم (Malekian, 2001a) می‌توان گفت زیست دینی مطلوب انسان مدرن در نگاه ایشان زیست دینی عقلانی یا سنجش گرایانه است.

ایشان زیست دینی عقلانی را برترین نوع زیست دینی معرفی می‌کند چرا که فرد دیندار به نحو سنجش گرایانه و به محک عقلانیت و استدلال آن را اتخاذ کرده است و تنها از دل این نوع زیست دینی است که معنویت بیرون می‌آید و نه هیچ نوع زیست دینی دیگر (Malekian, 2015). لذا می‌توان گفت در نگاه ایشان تنها نوع زیست دینی که در جهان معاصر امکانی برای حضور اثرگذار در زندگی افراد دارد و زیست مطلوب برای انسان دیندار تلقی می‌شود همان زیست دینی عقلانی است که خود نوعی از زیست معنوی قلمداد می‌شود. ایشان مولفه‌های چون در طلب حقیقت بودن، اخلاقی زیستن، دارای تاب آوری و اهل مدارا بودن، ضبط نفس و کنترل نفس داشتن، وجه و کاربرد عملی داشتن عقاید فرد در زندگی، خود کنترلی به جای دیگر کنترلی، و.. (Haghi, 2017; Malekian, 2002b, 2015) از جمله مولفه‌های برای زیست دینی عقلانی

معرفی می‌کند که در نگاه ایشان با مولفه‌های انسان مدرن و جهان مدرن بیشترین تلائم و سازگاری را داراست و می‌تواند موجبات حفظ اثرگذاری دین در زندگی انسان کنونی را فراهم کند.

از جمله نواندیشان دینی دیگر که با طرح خوانش عقلانی از دین سعی در معرفی نوعی زیست دینی برای انسان مدرن دارد عبدالکریم سروش است. ایشان همانطور که در بالا بیان شد مختصات و مولفه‌های را برای زیست دینی مبتنی بر خوانش سنتی از دین برشمرده که با ویژگی‌های انسان مدرن کمترین هم خوانی و سازگاری را داراست؛ لذا از آنجا که ایشان جهان کنونی را جهانی موسوم به جهان مدرن با مولفه‌های از جمله سکولاریسم می‌داند زیست دینی مطلوب را نوعی از زیست دینی معرفی می‌کند که مبتنی بر خوانشی جدید و متناسب با مقتضیات روز از دین باشد و لذا سروش از آن جهت زیست دینی مطلوب جهان مدرن را زیست دینی عقلانی می‌داند که مراد ایشان از مطلوب تحقق پذیری و انطباق با مولفه‌های جهان مدرن است (Sorouh, 2019). ایشان نوعی از زیست دینی عقلانی یا معرفت اندیش را طرح می‌کند که برخلاف زیست دینی سنتی: ایمان مبتنی بر ظن و شک است و نه یقین، عبادت از سنخ تفکر است و نه دعا و نیایش، حوزه نفوذ و عملکرد دین اقلی است و نه حداکثری، علم در عرض دین است و نه در ذیل آن، خدا در زندگی انسان معاصر و زیست دینی او تصرفات و تغییرات جدید ندارد لذا دعا به منزله دخل و تصرف در نظم طبیعی عالم نیست، برسمیت شناختن ادیان دیگر و نه برحق و برتر خواندن دین خود، اخلاق معیار گناهان قلمداد می‌شود و نه احکام، هویت ملی در کنار هویت دینی قرار می‌گیرد و نه در ذیل آن، چند منبعی بودن معرفت در زیست دینی جدید و نه تک منبعی بودن آن و... است.

و همچنین آنچه مشخص است در نگاه ملکیان و سروش این زیست دینی عقلانی است؛ که می‌تواند در کنار به رسمیت شناختن مولفه‌های انسان مدرن با ارائه خوانشی عقلانی و نو از دین این امکان را برای انسان مدرن فراهم کند. این جریان با تاکید بر وجه اخلاقی، -معنوی، و اثرگذاری دین در معنای زندگی (Malekian, 2002b, 2015)

(Soroush, 2000; 2001b) سعی کرده است در عین گشوده بودن بر روی مولفه‌های جهان جدید و معاصر، از مواهب دین در زندگی خود به‌رمند شود. در صورتی که چنین امکانی در زیست دینی سنتی و مولفه‌های آن برای انسان مدرن فراهم نخواهد شد.

نواندیشی دینی و شاخصه‌ها اصلی زیست دینی مطلوب

نواندیشی دینی، شاخصه‌های مهم تشخیص زیست دینی مطلوب در جهان مدرن را بیان کرده است؛ (که همین سبب شده در جاهایی متهم به نوعی تحویل گرای یا تقلیل گرایی در دین و زیست دینی شوند) (Mirbabapour, 2013) که مهم ترین آن‌ها به شرح ذیل آمده است.

تاکید بر عقلانیت:

نواندیشی دینی به‌ویژه از سوی کسانی چون سروش و ملکیان، به‌طور جدی تأکید بر عقلانیت دارد. این رویکرد معتقد است که برای سازگاری دین با شرایط مدرن، باید تفسیرهای عقلانی از دین ارائه شود. البته عقلانیتی که نواندیشی دینی بر آن تأکید می‌کند یک عقل ابزاری، استدلال گر، جزئی، فنی و تکنولوژیک است و از آن به (Reason) تعبیر می‌شود و با عقل کلی یا عقل سنتی که از آن با عنوان (Intellect) یاد می‌شود بسیار متفاوت است و عقلانیت مدرن: ۱. برخلاف عقل کلی، تنها معطوف به غایات و اغراض عملی صرف است. ۲. قلمرو آن طبیعت مادی است. ۳. شأن آن عبارت است از تنظیم منطقی مواد خام و معلومات تجربی (اعم از علوم طبیعی و علوم اجتماعی) و نتیجه‌گیری از آن‌ها (Bayat, 2007; Malekian, 2010). به نوعی این رویکرد اعتقاد دارد در جهان مدرن سنجش دین و گزاره‌های دینی به محک عقلانیت مدرن یک ضرورت وجودی برای دین است و شرط بقا دین سنجشگری آن با عقلانیت مدرن است (Malekian, 2002a; Soroush, 2004)؛ لذا زیست دینی مطلوب زیستی است که با خوانش سنجش گرانه و عقلانی از دین همراه باشد.

تاکید بر اخلاق:

یکی از مهم ترین ویژگی‌های که نواندیشی دینی در طرح زیست دینی در جهان مدرن به آن توجه دارد و از اهمیت زیادی نزد آنان برخوردار است توجه به اخلاق به عنوان یکی از مهم ترین معیار و ابزار سنجش در زیست دینی است. در نگاه نواندیشی دینی در کنار عقلانیت، اخلاق هم از چنان اهمیتی برخوردار است که محکی برای سنجش دینداری و زیست دینی داشتن افراد، در دنیای مدرن قلمداد می‌شود؛ به گونه‌ای که حقیقت دیانت محسوب می‌شود و اگر باوری، یا آموزه‌ای با اخلاق جهانی ناسازگار باشد آن گزاره و آموزه از دایره دین و زیست دینی بیرون خواهد بود (Malekian, 2018; Soroush, 2023)؛ لذا زیست دینی مطلوب زیستی است که با ارزش‌های اخلاقی انسان مدرن سازگار باشد.

تاکید بر عدالت - برابری اجتماعی و مدارا جویی

نواندیشان دینی به‌ویژه در جوامع اسلامی بر این نکته تأکید دارند که دین باید برای تحقق عدالت اجتماعی و حقوق بشر مورد استفاده قرار گیرد. سروش و ملکیان به‌طور مشخص بر این تأکید دارند که آموزه‌های دینی باید برای تحقق برابری اجتماعی و رعایت حقوق بشر در جامعه مدرن به کار گرفته شوند (Emadi, 2009; Malekian, 2023; Soroush, 2011)؛ لذا از منظر نواندیشی دینی از جمله شروط مهم جهت سنجش زیست دینی مطلوب در جهان مدرن، وجود مدارای اجتماعی و رعایت حقوق افراد (Soroush, 2005) در زندگی فرد دیندار است.

نقد و بررسی

در بحث بررسی انواع تعاریف از زیست دینی به نظر می‌رسد که با توجه به خوانش‌هایی که از دین می‌شود ما با انبوهی از مؤلفه‌ها برای زیست دینی مواجه هستیم؛ اما بنظر نگارنده اگر بخواهیم یک مؤلفه‌ی مرجع از زیست دینی ارائه دهیم می‌توان حضور و تجلی خداوند و امر دینی در حالات، رفتار و اعمال فرد دیندار در زندگی فرد را شرط و مؤلفه‌ی مرجع در تعریف زیست دینی دانست. لذا با قبول این مؤلفه‌ی مرجع در زیست دینی، از جمله نقدهای مهمی که به زیست دینی عقلانی وارد می‌کنند عدم حضور امر قدسی در این نوع از زیست

دینی است (Abdolkarimi, 2021) اما چنین نقدی نسبت به زیست دینی عقلانی به نظر نگارنده بلا وجه می‌باشد، چرا که اگر مولفه اصلی زیست دینی داشتن را تحقق امر قدسی در زندگی فرد بدانیم آنگاه بر خلاف منتقدین و مخالفین، نگارنده معتقد است؛ که چنین شرطی در طرح زیست دینی عقلانی میسر و ممکن است؛ چرا که باید گفت شرط حضور امر قدسی در زندگی فرد نه فقط در مواجهه و وجودی با امر قدسی است، بلکه می‌تواند میزان باورمندی فرد به پذیرش گزاره‌ی «خدا وجود دارد» باشد. یعنی ممکن است یک فرد در عین اینکه مواجهه‌ی معرفتی یا شناختی با امر قدسی داشته باشد چنان باورمندی نسبت به آن اعتقاد داشته باشد، که این اعتقاد به وجود خداوند در تمام شئون عملی و رفتاری زندگی او نمایان شود. برای تایید این مدعای نگارنده می‌توان رجوع کرد به رودولف اتو در کتاب «مفهوم امر قدسی» که معتقد است که امر قدسی از طریق باور می‌تواند در زندگی فرد حضور یابد (Otto, 1923) یا ویلیام جیمز در کتاب «تنوع تجربه‌های دینی» اعتقاد دارد باور به خدا می‌تواند تاثیرات عملی مشابه تجربه دینی مستقیم با امر قدسی داشته باشد (James, 2002). لذا شرط حضور امر قدسی در زندگی فرد دیندار را نباید تنها در مواجهه حضوری با امر قدسی محدود کرد بلکه میزان باورمندی فرد نسبت به اعتقاد به وجود خداوند نیز می‌تواند موجبات حضور امر قدسی در زندگی فرد را فراهم سازد.

در بحث بررسی رویکرد نواندیشی دینی چون ملکین و سروش به زیست دینی باید گفت گرچه این دوناندریش در به رسمیت شناختن جهان مدرن و مولفه‌های آن هم نظر هستند و هردو زیست دینی مطلوب انسان مدرن یا به عبارتی انسانی که در فضای معرفتی و فکری و... جهان مدرن زندگی می‌کند زیست دینی عقلانی معرفتی می‌کنند اما در تفسیر مطلوب این دوناندریش تفاوت‌هایی با هم دارند که باید آن را در نظر گرفت. مطلوب در نگاه ملکین هم به معنای بهترین یا برترین نوع زیست دینی خوانش می‌شود و هم به معنا تنها نوع زیست دینی که امکان وقوع و تحقق دارد؛ در صورتی که مطلوب در نگاه سروش به معنای زیست دینی که بیشترین قابلیت

تحقق و حداکثر انطباق با واقع را دارد تفسیر می‌شود و ایشان بر خلاف ملکین زیست دینی عقلانی را نه برترین نوع زیست دینی می‌داند و نه تنها نوع زیست دینی بلکه سازگار ترین زیست دینی در جهان مدرن معرفی می‌کند.

در بحث چالش‌های نواندیشی دینی می‌توان گفت که، این رویکرد کماکان با چالش‌های عملی در بحث زیست دینی مواجه است؛ چرا که اگر دقیق بنگریم نظرات و گفتمان فکری، فلسفی، دینی و اجتماعی این جریان را نمی‌توان در بدنه عمومی جامعه مشاهده کرد و بنظر می‌رسد که جریان کماکان در ساحت تئوری و نظر باقی مانده است و فاقد اثر گذاری عملی در ساخت زیست دینی مطلوب برای جامعه دینداری در ایران بوده است (Nasr, 2018). این را می‌توان از جمله ضعف‌های هر جریان فکری قلمداد کرد چرا که اثر گذاری عملی و اجتماعی داشتن را می‌توان از جمله مشخصه‌های مهم هر جریان فکری و فلسفی است دانست (Taylor, 2007). البته وجود این ضعف در جریان نواندیشی دینی دلایلی دارد که از جمله آن: الف) وجود وجوه اختلافی در جریان نواندیشی دینی و عدم انسجام جریان‌ی در آن به دلایلی چون تفاوت در روش‌ها، رویکردها و اهداف سبب ایجاد نوعی سردرگمی و سوتفاهم در جامعه دینداران شده است به گونه‌ای که دینداران سنتی یا محافظه کار ممکن است این اختلاف را ناشی از ضعف یا حتی باطل بودن این جریان تلقی کنند. ب) نواندیشی دینی جریانی بوده است که اغلب توسط فیلسوفان، متفکرانی هدایت شده است که فاقد قدرت ساختاری - اجرایی یا نهادهای لازم جهت پیاده سازی ایده‌های خود بوده است. ج. گاهی ایده‌های نواندیشی دینی بیش از حد انتزاعی و غیر قابل دسترس برای عموم مردم بوده است و این رویکرد ممکن است برای جامعه نخبگانی جذاب باشد ولی برای مردم عادی که با مشکلات روز مره دست و پنجه نرم می‌کنند کمتر قابل درک و کاربردی تلقی می‌شود لذا می‌توان گفت این رویکرد یک رویکرد نخبگانی به دین و زیست دینی است تا رویکردی همگانی. د) تاکید رویکرد نواندیشی دینی بر عقلانیت مدرن که خاصیتی ابزارانگاره و به تبع

آن نسبی گرایانه دارد تهدیدی برای هویت دینی و اجتماعی قلمداد شود؛ چرا که در جامعه ایرانی، دین از عناصر مهم شکل گیری هویت اجتماعی قلمداد می شود.

در بحث آینده پژوهی جریان نو اندیشی دینی با دو نوع چالش های نظری و عملی مواجه است: الف) چالش های نظری: از جمله مهم ترین چالش های نظری نو اندیشی دینی در ایران مواجه با جهانی است که دارای ویژگی هایی چون نسبیت گرایی معرفتی، تکثر گرایی شدید و فروپاشی متافیک است، در حالی که نو اندیشی دینی در ایران بر مفاهیم و کلان روایت هایی از حقیقت دینی و خود دین استوار است (Hosseini Ghaemmaghami, 2003) و همین کار نو اندیشی دینی در طرح زیست دینی برای جهان پیش رو را با مشکل مواجه می کند؛ لذا، اگر نو اندیشی دینی بخواهد در جهان جدید موجودیت خود را به عنوان یک جریان موثر حفظ کند نیاز باشد که به سمت نوعی از «الهیات پست مدرن» در جهان غرب حرکت کند که در آن تجربه شخصی، تفسیرهای فردی و خوانش های متکثر در آن جای بیشتری داشته باشد (Rahimi & Shirkhani, 2016) و همچنین به عبارت دیگر بتواند تعریف یا فهمی جدید از زیست دینی برای انسان معاصر ارائه دهد که هم در شرایط جدید معاصر زندگی کند و هم اینکه سایر سبک های زیستن در جهان معاصر را به رسمیت بشناسد (Habermas, 2008).

ب) چالش های عملی: نو اندیشی دینی در ساحت عملی نیاز به بازنگری جدی دارد و باید با ساده سازی مفاهیم و نزدیک تر شدن به نیازها و دغدغه های واقعی مردم ارتباط خود با مردم را تقویت و ترمیم کند. بطور مثال تمرکز بر نقش مباحث اخلاقی در زندگی مردم، حقوق زنان، و... می تواند این جریان را برای عموم مردم ملموس تر کند، همچنین این جریان می تواند با دوری از اتخاذ رویکرد تقابلی نسبت ساختارهای قدرت و حاکمیت و با سعی در encountered significant epistemological and practical challenges. The collapse of metaphysical certainties and the dominance of empirical knowledge have introduced a form of cultural

ایجاد فضای گفت گو با نهادهای آموزشی، فرهنگی و مذهبی، بر میزان اثر گذاری خود در عرضه عمومی و عملی بیافزاید و البته در این بین نباید نقش رسانه و حضور موثر در فضای مجازی را دست کم گرفت؛ چرا که استفاده از رسانه و تکنولوژی ارتباط جمعی می تواند ارتباطات گسترده تر و عمومی تری را برای این جریان فکری میسر سازد.

نتیجه گیری

نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان می دهد که؛ گرچه رویکرد عقلانی نو اندیشی دینی به زیست دینی مانعی برای حضور امر قدسی در زندگی فرد محسوب نمی شود؛ اما بطور کلی تلاش نو اندیشی دینی در طرح زیست دینی مطلوب با عدم توفیق نسبی در پیاده سازی عملی زیست دینی در جامعه کنونی ایران مواجه است و در این زمینه تلاش های این جریان تا کنون موفقیت آمیز نبوده است.

پیشنهاد پژوهشی حاصل از این تحقیق با توجه به چالش های موجود و پیش روی جنبش نو اندیشی دینی می تواند در زمینه های ۱- امکان سنجی عملی نو اندیشی دینی در جوامع اسلامی با تاکید بر ایران ۲- مطالعات تطبیقی بین نو اندیشی دینی اسلامی و الهیات لیبرال مسیحی باشد.

در بحث آینده پژوهی تحقیق بنظر نگارنده آینده زیست دینی در جوامع مدرن وابسته به توانایی نو اندیشان دینی در رفع موانع عملی زیست دینی و همچنین تبدیل رویکرد نو اندیشی دینی از یک گفتمان نخبگانی به یک جنبش اجتماعی است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

In the context of the modern world—defined by rationalism, secularism, and anthropocentrism—the traditional modalities of religious life have

disenchantment that has estranged modern individuals from premodern religious frameworks. In response, the intellectual current known as religious modernism has emerged as a critical attempt to reconcile the permanence of the sacred with the demands of modern sensibilities. This current argues for a rational, experience-compatible interpretation of religion, emphasizing critical inquiry and human agency. Within the Iranian intellectual milieu, Abdolkarim Soroush and Mostafa Malekian are two prominent thinkers who, although differing in nuance and method, represent the spectrum of religious modernist engagement with the question of how to sustain a meaningful religious life in a modern secular society. They reject the traditional model of religious life premised on uncritical obedience to clerical authority and legalistic piety, proposing instead a form of religiosity that aligns with modern values such as autonomy, rational scrutiny, and moral universalism (Malekian, 2015; Soroush, 2011). By evaluating their philosophical positions, this study sheds light on the feasibility and limitations of religious modernism in navigating the existential and spiritual needs of contemporary individuals, particularly in the Iranian context, where the dissonance between religious heritage and modern expectations is both acute and politically sensitive.

Traditional religious life, as conceived in classical Islamic thought, emphasizes submission to divine law, the centrality of sacred tradition, and the institutional authority of religious scholars. Its foundational elements—such as otherworldliness, sanctity, metaphysical absolutism, and legal-moral rigor—stand in tension with the modern worldview that esteems empirical knowledge, individual autonomy, and historical consciousness (Malekian, 2023; Pour Motahari, 2022). The thinkers in this study consider this tension insurmountable within the traditional framework. Malekian, for instance, categorically denies the possibility of living a religious life in its classical form under modern conditions. He argues that the modern subject is characterized by a rational

disposition, skeptical attitude toward metaphysical narratives, and a demand for internal coherence and personal authenticity, none of which harmonize with the premodern ethos of doctrinal submission and clerical mediation (Ranjbar et al., 2023). Similarly, Soroush contends that the religious sensibility must evolve to remain viable; otherwise, it risks becoming a relic of a bygone age. His doctrine of the "expansion and contraction of religious knowledge" asserts that religious understanding is historically contingent and must be reformulated in light of modern epistemologies (Soroush, 1998). In this view, the failure of traditional religiosity to adapt stems from its intransigence and unwillingness to acknowledge the evolving nature of human understanding. Both thinkers thus position religious modernism as a necessary intellectual and spiritual reorientation, rather than a luxury, if religion is to maintain relevance in modern lives.

Malekian's philosophical project, often summarized as "rationality and spirituality," seeks to preserve the meaningfulness of life through a non-dogmatic, reason-based spirituality that can include a religious component if and only if it passes rational scrutiny (Malekian, 2001a). He posits that a rational religious life must not be founded on uncritical acceptance or inherited dogma but rather on personal conviction grounded in reason and ethical consistency. This view gives rise to the concept of "rational religiosity," which he considers the only legitimate form of religious life for modern individuals. Rational religiosity, in this formulation, requires internal autonomy, moral integrity, and a spiritual orientation that contributes to individual well-being without resorting to authoritarian structures or unverifiable metaphysics (Malekian, 2023). In practice, this results in a minimalist, inward-oriented approach to religious life, where beliefs are tools for personal development rather than metaphysical assertions of universal truth. For Soroush, the transformation of religious life involves a more epistemological shift. He calls for a hermeneutics of religion that prioritizes moral and philosophical interpretation

over jurisprudential literalism. In his view, religious doctrines must be reinterpreted to align with modern values like pluralism, democracy, and human rights, which he believes are not inherently in conflict with the spiritual essence of religion (Soroush, 2011). By advocating for a dynamic and reformable understanding of religion, he creates a space in which faith is not discarded but transfigured to suit the moral imagination and cognitive horizons of modern individuals.

However, both Soroush and Malekian confront the accusation that their proposed religious life—however rational and personalized—may lack the metaphysical intensity or communal identity that traditional religiosity affords. Critics argue that their versions of religious life are too individualistic, overly rationalized, and insufficiently anchored in the transcendent, thereby reducing religion to a private ethical system or psychological therapy (Naraqi, 2016). Malekian responds to this critique by emphasizing that belief in the sacred or divine does not necessarily require a metaphysical encounter but can be expressed through a deep-seated conviction that transforms one's ethical orientation and life purpose. He references thinkers like William James and Rudolf Otto to support the idea that the sacred can be apprehended not only through mystical experience but also through rational belief and existential commitment (Otto, 1923). Similarly, Soroush asserts that the presence of the sacred in life need not be grounded in metaphysical dogma but can manifest through moral seriousness and the cultivation of spiritual sensibility. Both thinkers argue, in their own ways, that rational religiosity is not a secularized reduction of religion but an evolved form that seeks coherence with the modern condition. Still, they acknowledge the practical challenges of translating these ideals into widespread social practice. The intellectual sophistication and abstract nature of their proposals often alienate lay believers, especially in societies where religion remains closely tied to identity, communal norms, and political power (Malekian, 2015; Soroush, 2011).

The study also examines the broader sociocultural implications of religious modernism in Iran, where the state and religious institutions remain heavily intertwined. One of the main criticisms leveled against religious modernism is its limited impact on the everyday religiosity of ordinary citizens. Despite the intellectual clarity of its doctrines, religious modernism has struggled to establish itself as a popular movement capable of inspiring mass adherence or institutional change. This is due in part to the fragmented nature of the movement itself, where various thinkers diverge significantly on theological and methodological issues. For instance, some consider Malekian to have distanced himself from the category of "religious modernist" altogether, preferring the label of "spiritual philosopher." Moreover, the lack of institutional support, the elitist tone of much religious modernist literature, and the antagonism from traditionalist and conservative sectors have all impeded its broader social acceptance (Soroush, 2019). To remain viable, religious modernism must not only refine its theoretical frameworks but also develop strategies for wider dissemination and practical application. This includes engaging more actively with educational systems, utilizing digital media for outreach, and fostering dialogue with religious institutions rather than opposing them outright. Without such strategies, the ideals of religious modernism may remain confined to academic debates and elite intellectual circles.

In conclusion, while religious modernism—especially in the works of Soroush and Malekian—offers a compelling reimagining of religious life in the modern world, its capacity to effectuate widespread transformation remains limited. Its emphasis on rationality, ethics, and spiritual inwardness aligns well with the intellectual demands of modernity but risks estrangement from the emotional and communal dimensions of traditional faith. Nonetheless, it succeeds in preserving the possibility of a meaningful religious life that neither capitulates to dogmatic literalism nor relinquishes the sacred altogether. By repositioning religion as a dynamic, interpretive,

and morally engaged endeavor, religious modernism charts a path that is both intellectually honest and spiritually enriching. Future efforts in this direction must focus on overcoming the dichotomy between elite and popular religiosity, and on building bridges between critical religious thought and the lived realities of believers. Only then can the project of rational religiosity move beyond the pages of philosophical texts into the practices of everyday life.

References

- Abdolkarimi, B. (2019). *Modernity; A Major Obstacle to Religious Life*.
- Abdolkarimi, B. (2021). *Questioning the Possibility of the Religious Matter in the Contemporary World*. Tehran: Entesharat-e Naghd-e Farhang.
- Bayat, A. (2007). *Dictionary of Terms*. Entesharat-e Andisheh va Farhang-e DiniER -.
- Bigdeli, A. (2006). Interaction or Confrontation of the Trinity. *Journal of Zamaneh*(47).
- Dabbagh, S. (2020). *Do You Want a Better Verse Than This?*
- Emadi, A. (2009). *Islam and Democracy from Soroush's Perspective* Tarbiat Modares University, Tehran]. <https://ganj.irandoc.ac.ir>
- Frisk, M. J. (2013). Brief Historical Overview of Consecrated Life, . *Marian Library Studies*, 31(17). https://ecommons.udayton.edu/ml_studies/vol31/iss1/17.
- Habermas, J. (2008). *Between Naturalism and Religion: Philosophical Essays*. Polity Press.
- Haghi, A. (2017). Religious Studies of Mostafa Malekian; Review and Critique. 6(1).
- Hang'andu, R. (2005). Religious Life; What Happens after Final Vows? *Institute of Spirituality and religious Formation, Tangaza College: Catholic University of Eastern Africa*.
- Hosseini Ghaemmaghami, S. A. (2003). Criteria of Religious Modernism. *Book of Critique*(26 & 27).
- James, w. (2002). *The varieties of religious experience: A study in human nature*. Routledge. (Original work published 1902). <https://doi.org/10.1037/10004-000>
- Jamshidiha, G. (2008). Hermeneutics and the Problem of Historicization of Understanding. *Journal of Cultural Research*, 1(4).
- Javadi Amoli, A. (2021). *Interpretation of Nasim* (Vol. 1). Qom: Nashr-e Esra.
- Kadivar, M. (2010). *One-Dimensional Islam*.
- Lingier, A., & Vandewiele, W. (2021). The Decline of Religious Life in the Twentieth century. *Religions*, 12(388). <https://doi.org/10.3390/rel12060388>
- Malekian, M. (2001a). *Rational Religiosity or Wise Religiousness (First Session)*. <https://3danet.ir/>
- Malekian, M. (2001b). *Rationality and Spirituality*. Tehran: Nashr-e Ney.
- Malekian, M. (2002a). *A Path to Liberation (Essays on Rationality and Spirituality)*. Publisher: Negah-e Moaser.
- Malekian, M. (2002b). *Tradition and Secularism*. Tehran: Entesharat-e Serat.
- Malekian, M. (2010). *Rationality and Spirituality After Ten Years*. <https://3danet.ir>
- Malekian, M. (2015). *In the Path of the Wind and the Guardian of the Tulip* (Vol. 1 & 2). Tehran: Negah-e Moaser.
- Malekian, M. (2023). *Interview with Mostafa Malekian About Ethics and Religious Intellectualism*. <https://www.cgie.org.ir/fa/newsER> -
- Mirbabapour, S. M. (2013). Religion and Modernity, Examining the Reductionist Approach to Religion in Relation to Modernity. *Journal of Theological Knowledge*(1).
- Naraqi, A. (2016). *Religious Modernism in Three Acts*. <https://3danet.ir>
- Nasr, H. (2018). *Science and Civilization in Islam*. Entesharat-e Elmi va Farhang.
- Nejatpour, M. (2017). Discursive Transformation of Development in the Religious Intellectual Movement. *Journal of Politics*(14).
- Nekouei Samani, M. (2007). Religion in the Modern World. *Journal of Knowledge*(123).
- Nekounam, M. R. (2020). *The Knowledge of Life*. Tehran: Entesharat-e Sobh-e Farda.
- Otto, R. (1923). *The idea of the holy: An inquiry into the non-rational factor in the idea of the divine and its relation to the rational*. Oxford University Press.
- Pour Motahari, R. (2022). Compatibility of Rationality and Religiosity from the Perspective of Mostafa Malekian. *Contemporary Philosophy*, 1(2).
- Rahimi, M., & Shirkhani, A. (2016). Challenges of Postmodernism for Shia Islamic Teachings and Solutions to Counter those Challenges. *Mirror of Knowledge*.
- Ranjbar, S., Abui Mehrizi, S., & Ghasemi, M. (2023). Effectiveness of pishanskill enhancement package on promoting social

- adaptation in children with autism spectrum disorder. *Research in Child and Adolescent Psychotherapy*, 2(3), 40-31. <https://doi.org/10.22098/rcap.2023.14060.1033>
- Schneiders, S. M. (2000). Religious Life. <https://scholarcommons.scu.edu/jst>
- Sohrabi Far, V. (2022). Analysis of the Theory of Rationality and Spirituality. *Journal of Religious Studies*(2).
- Soroush, A. (1998). *Contraction and Expansion of Religious Experience*. Tehran: Nashr-e Markaz.
- Soroush, A. (1999). Types of Religiosity. *Kian*(50).
- Soroush, A. (2000). *Reason, Freedom, and Democracy in Islm*. Oxford University Press.
- Soroush, A. (2004). *Characteristics of Modernity*. <http://www.drsoroush.com>
- Soroush, A. (2005). *Collected Articles: Tyranny, Religion, and Freedom*. Tehran: Entesharat-e Tarh-e No.
- Soroush, A. (2011). *Theoretical Contraction and Expansion of Sharia*. Tehran: Entesharat-e Sarayi.
- Soroush, A. (2018). *The Truth of Religion is Ethics*.
- Soroush, A. (2019). *Religious Conduct in the Contemporary World*.
- Taylor, C. (2007). *A Secular Age*. Harvard University Press. <https://doi.org/10.4159/9780674044289>